

دکتر رابرت سی. نیومن، معجزات، جلسه ۴ پاسخی به رد معجزات توسط لیبرال‌ها

رابرت نیومن و تد هیلدبرانت ۲۰۲۴ ©

این دوره آموزشی ما، «معجزات و معجزات عیسی»، بخش چهارم از بخش اول است که آن را «معجزات پاسخ به اعتراضات» می‌نامیم. در اینجا، به تعدادی از استدلال‌های اصلی مطرح شده علیه وقوع معجزات پاسخ خواهیم داد. برای بحث بیشتر، به گایسلر، معجزات در ذهن مدرن، ۱۹۹۲، کالین براون، معجزات در ذهن انتقادی، ۱۹۸۴، گیوت و هابرماس، در دفاع از معجزات، ۱۹۹۷ مراجعه کنید. همچنین کتاب دو [جلدی کریگ کینر، معجزات: اعتبار روایت‌های عهد جدید، ۲۰۱۱].

اول، به عدم امکان قیاسی معجزات، باروخ اسپینوزا، نگاهی می‌اندازیم. استدلالی که من اینجا ارائه می‌دهم، ساده‌سازی جزئی گایسلر از استدلال اسپینوزا است. اول، معجزات نقض قانون طبیعی هستند.

ابتدا هر استدلال را ارائه می‌دهم و سپس برمی‌گردم و نکته به نکته آن را نقد می‌کنم. دوم، قوانین طبیعی تغییرناپذیرند. سوم، نقض قوانین تغییرناپذیر غیرممکن است.

بنابراین، معجزات غیرممکن هستند. در پاسخ به اسپینوزا، معجزات نقض قانون طبیعی هستند. برخی از معجزات احتمالاً نقض قانون طبیعی هستند، اگرچه بسیاری از آنها ممکن است به نحوی قانون طبیعی را نادیده بگیرند، همانطور که ما با برداشتن یک خودکار یا مداد، جاذبه را نادیده می‌گیریم.

بنابراین، اولاً، معجزات نقض قوانین طبیعی هستند، احتمالاً در برخی موارد درست و در برخی دیگر نادرست. قوانین طبیعی تغییرناپذیرند. این بستگی به این دارد که منظور ما از قانون طبیعی چیست.

اگر قانون طبیعی را تغییرناپذیر تعریف کنیم، ممکن است چیزی به نام قانون طبیعی وجود نداشته باشد. در هر صورت، ما به اندازه کافی نمی‌دانیم که مطمئن شویم نظم‌هایی که در طبیعت می‌شناسیم تغییرناپذیر هستند. و تغییرناپذیر برای چه کسی؟ بدیهی است که انسان‌ها نمی‌توانند ثابت گرانس را تغییر دهند یا قوانین حرکت نیوتن را به حالت تعلیق درآورند، اما واضح نیست که خدا هم نمی‌تواند.

سوم، نقض قوانین تغییرناپذیر غیرممکن است. گزاره سوم تا زمانی درست است که آن را با این جمله توصیف کنیم که برای کسی غیرممکن است قوانینی را که برای او تغییرناپذیر هستند نقض کند. چهارم، بنابراین، معجزات غیرممکن هستند.

خب، اگر یکی در برخی موارد درست نباشد، و دوم، قانون طبیعی تغییرناپذیر است، ممکن است یا یک دسته خالی باشد یا برای خدا تغییرناپذیر نباشد، نتیجه می‌شود که استدلال اسپینوزا صحیح نیست. یک فرمول قیاسی دیگر. اول، معجزه نقض قانون طبیعی است.

دوم، نقض یک قانون به معنای غیرقانونی، غیراخلاقی، غیرمنطقی یا ناشیانه بودن است، یا به عبارت دیگر نقض یک قانون زیبایی‌شناختی. خدا غیرقانونی، غیراخلاقی، غیرمنطقی یا ناشیانه نیست. بنابراین، خدا حداقل نمی‌تواند معجزه کند، اگرچه شاید شیطان بتواند.

در پاسخ به این، معجزه نقض قانون طبیعی است، همان مشکلی که در گزاره اول اسپینوزا وجود داشت. نقض یک قانون به معنای غیرقانونی، غیراخلاقی، غیرعقلانی یا ناشیانه بودن است. گزاره دوم فرض می‌کند که قانون طبیعی را می‌توان در یکی از دسته‌های قانون مدنی، که نقض آن غیرقانونی است؛ قانون اخلاقی، که

نقض آن غیراخلاقی است؛ قانون منطقی، که نقض آن غیرعقلانی است؛ یا قانون زیبایی‌شناختی، که نقض آن ناشی از ناشیانه بودن است، جای داد

اما این از این نتیجه نمی‌شود. نقض یک قانون طبیعی صرفاً معجزه‌آسا بودن است، و این همان تصویری است که مرتباً از خدای کتاب مقدس ارائه می‌شود. البته خدا غیرقانونی، غیراخلاقی، غیرمنطقی یا ناشی نیست.

بنابراین، خدا حداقل نمی‌تواند معجزه کند، هرچند شاید شیطان می‌توانست. مشکلات مربوط به یک و به ویژه دو، این استدلال را بی‌اعتبار می‌کند. نامحتمل بودن استقرایی معجزات، دیوید هیوم

روایت من از استدلال هیوم به این صورت است. اول، تجربه تنها راهنمای ما برای همه تصمیمات مربوط به اثر ماده است. دوم، قوانین طبیعت توسط یک تجربه محکم و تغییرناپذیر تثبیت می‌شوند. سوم، باور ما به اعتبار شاهدان مبتنی بر گزارش‌هایی است که معمولاً با واقعیت‌ها مطابقت دارند. چهارم، معجزات نقض قوانین طبیعی هستند. پنجم، بنابراین، معجزات با همان شواهدی که ما اثر ماده را با آنها تعیین می‌کنیم مغایرت دارند. ششم، بنابراین، نباید شهادت در مورد یک معجزه را پذیرفت، مگر اینکه همه جایگزین‌ها از خود معجزه معجزه‌آس‌تر باشند - پاسخ به هیوم. تجربه تنها راهنمای ما برای همه تصمیمات مربوط به اثر ماده است.

این یک بیان کاملاً تجربی از چگونگی شناخت ماست، و ممکن است تجربه‌گرایی محض رضایت‌بخش نباشد با این حال، هیوم حق دارد پرسد چه توجیهی می‌توانیم برای باور به معجزات ارائه دهیم. باید پذیرفت که حتی وحی نیز باید به نوعی آزمایش شود تا از پذیرش وحی‌های کاذب جلوگیری شود.

غلاطیان ۶: ۳-۵، اول تسالونیکیان ۵. برای سنجش همه چیز، احکام کتاب مقدس را با هم مقایسه کنید بنابراین، ما به برخی از آن قسمت‌ها نگاه. اول یوحنا ۴: ۱، تثنیه ۱۳: ۱-۳، تثنیه ۱۸: ۱۸-۲۲، ۲۱-۱۹ می‌کنیم، کتاب مقدس اساساً در مورد آزمایش صحبت می‌کند.

غلاطیان ۶: ۳، ۴ و ۵. اگر کسی خود را چیزی بداند در حالی که چیزی نیست، خود را فریب می‌دهد. هر کس باید اعمال خود را بیازماید. آنگاه می‌تواند بدون مقایسه خود با دیگری، به خود ببالد، زیرا هر کس باید بار خود را حمل کند.

بنابراین، کتاب مقدس قطعاً اشاره می‌کند که ما باید خودمان را آزمایش کنیم. اول تسالونیکیان ۵: ۱۹-۲۰. آتش روح را خاموش نکنید.

پیشگویی‌ها را با تحقیر نپذیرید. همه چیز را بیازمایید. به خوبی‌ها پایبند باشید.

اول یوحنا ۴: ۱. دوستان عزیز، به هر روحی ایمان نیاورید، بلکه ارواح را بیازمایید تا ببینید که آیا از جانب خدا هستند یا نه، زیرا بسیاری از پیامبران دروغین به جهان می‌روند. تثنیه ۱: ۱۳-۳. اگر پیامبری یا کسی که خواب‌های مرا پیشگویی می‌کند در میان شما ظاهر شود و نشانه یا معجزه‌ای را به شما اعلام کند، و اگر نشانه یا معجزه‌ای که از آن سخن گفته است، رخ دهد، و بگوید، نقل کنید، بیایید از خدایان دیگر، خدایانی که شما نمی‌شناسید، پیروی کنیم و آنها را بپرستیم، نباید به سخنان آن پیامبر یا خواب‌بیننده گوش دهید.

خداوند، خدای شما، شما را آزمایش می‌کند تا ببیند آیا او را با تمام قلب و تمام روح خود دوست دارید یا خیر. تثنیه ۱۸: ۱۸-۲۲. خدا، در صحبت با موسی، می‌گوید: «من برای آنها، بنی اسرائیل، پیامبری مانند تو، مانند موسی، از میان برادرانشان مبعوث خواهم کرد.»

من سخنان خود را در دهان او خواهم گذاشت و او هر آنچه را که به او فرمان می‌دهم به آنها خواهد گفت اگر کسی به سخنان من که آن پیامبر به نام من می‌گوید گوش ندهد، من خودم او را بازخواست خواهم کرد. اما پیامبری که جسارت کند و به نام من چیزی را بگوید که من به او فرمان نداده‌ام، یا پیامبری که به نام خدایان دیگر سخن بگوید، باید کشته شود.

شاید با خود بگویید، از کجا بفهمیم که پیامی از جانب خداوند بیان نشده است؟ اگر آنچه پیامبری به نام خداوند اعلام می‌کند، به وقوع نپیوندد یا به حقیقت نپیوندد، آن پیامی است که خداوند بیان نکرده است. آن پیامبر از روی تکبر سخن گفته است. از او نترسید.

پاسخ به هیوم. قانونی که ابتدا با آن دیدیم، اگرچه تجربه‌گرایی ممکن است تنها راه شناخت چیزها نباشد، اما ما مسئولیت داریم که چیزها، حتی وحی و غیره را آزمایش کنیم. ادعای دوم هیوم این است که قوانین طبیعت توسط تجربه قطعی و تغییرناپذیر تثبیت می‌شوند.

قوانین طبیعت که به صورت تجربی تعریف می‌شوند، توسط تجربه، مشاهده و آزمایش تثبیت می‌شوند و برای اینکه به عنوان قانون شناخته شوند، باید کاملاً ثابت باشند. با این حال، مشخص نیست که این تجربه به چه معنایی تغییرناپذیر است. آیا منظور هیوم این است که هیچ استثنایی تاکنون مشاهده نشده است؟ اگر چنین است، او با وارد کردن مخفیانه پاسخ خود به گزاره ۲، وقوع معجزه را به پرسش می‌گیرد.

باور ما به اعتبار شاهدان مبتنی بر گزارش‌های آنهاست که معمولاً با واقعیت‌ها مطابقت دارند. باور ما ۳. به اعتبار یک شاهد خاص تا حدودی پیچیده‌تر از این است. اگر او فقط معمولاً حقیقت را می‌گوید یا قضاوت‌های درستی می‌کند، احتمالاً به گزارش‌های او اهمیت زیادی نمی‌دهیم. ترکیبی از تعداد شاهدان شخصیت شناخته شده آنها و آنچه ممکن است از دروغ گفتن به دست آورده باشند، معمولاً در محاسبات ما در اینجا نقش خواهد داشت.

معجزات نقض قانون طبیعی هستند. به طرز عجیبی، مورد ۴ به معنای تجربی درست است، اما وقتی ۴. اسپینوزا در عبارت ۱ خود از آن استفاده می‌کند، به معنای قیاسی درست نیست. معجزات آشکارا برخلاف آنچه ما معمولاً تجربه می‌کنیم، هستند.

بنابراین، معجزات با شواهدی که ما با آنها امور واقع را تعیین می‌کنیم، مغایرت دارند. هیوم در اینجا ۵. اشتباه می‌کند، زیرا ما مورد ۳ را همانطور که در بالا پیشنهاد کردیم، تنظیم می‌کنیم، اما او در این مورد که ما تمایل داریم متناسب با ویژگی رویداد گزارش شده، شکاک‌تر باشیم، درست می‌گوید. گزارش دیدن اخیر یک دوست صمیمی، دیدن اخیر رئیس جمهور ایالات متحده، دیدن اخیر بن فرانکلین یا دیدن اخیر خدا را مقایسه کنید.

نباید شهادت در مورد یک معجزه را پذیرفت، مگر اینکه همه جایگزین‌ها معجزه‌آساز از خود معجزه ۶. باشند. هیوم در اینجا تضمین می‌کند که ما هرگز گزارش یک معجزه را نمی‌پذیریم، و احتمالاً حتی اگر خودمان آن را دیده باشیم، زیرا شاهدان می‌توانند دروغ بگویند و حواس ما می‌توانند ما را فریب دهند. مشکل اینجاست.

هیوم از ما می‌خواهد که معجزات را توجیه کنیم، حتی اگر رخ دهند. هیچ‌کس نمی‌تواند سطح قطعیت را آنقدر بالا برد که هرگز معجزه‌ای را نپذیرد. این یک تاکتیک خطرناک است.

سپس به پی‌ریختن عملی معجزات می‌پردازیم. این نسخه نیومن-گیسلر-براون از استدلال کانت است: ۱. ما نمی‌توانیم چیزها را آنطور که واقعاً هستند بشناسیم، بلکه فقط می‌توانیم آنها را آنطور که برای ما ظاهر می‌شوند، بشناسیم.

بنابراین، هرگونه ادعای دانش در مورد خدا و واقعیت متعالی، صرفاً گمانه‌زنی بی‌اساس است. ۳. با این ۲. وجود، برای اینکه بتوانیم عملاً در این جهان عمل کنیم، خدا، آزادی و جاودانگی را به عنوان مبنایی برای اخلاق و وظیفه فرض می‌کنیم. ۴. معجزات یا روزانه، به ندرت یا هرگز اتفاق می‌افتند. اگر روزانه باشند معجزه نیستند، بلکه قوانین طبیعی هستند. اگر به ندرت باشند، هیچ مبنایی برای شناخت آنها نداریم. پس احتمالاً هرگز.

دین حقیقی، که شامل انجام تمام وظایف به گونه‌ای است که گویی فرامین الهی هستند، برای انجام کار درست نیازی به معجزه ندارد. معجزات بیشتر تمایل دارند انگیزه‌های فرد را فاسد کنند. بنابراین، معجزات ربطی به زندگی روزمره و دین حقیقی ندارند.

پاسخ به کانت. خوب، اولاً، او می‌گوید، ما نمی‌توانیم چیزها را آنطور که واقعاً هستند بشناسیم، بلکه فقط آنطور که برای ما ظاهر می‌شوند، می‌توانیم بشناسیم. خوب، پاسخ من این است که ما نمی‌توانیم چیزها را آنطور که واقعاً هستند بشناسیم، مگر اینکه بدانیم واقعاً چگونه هستند.

جمله‌ی اول خود-ویرانگر است. ما ممکن است فکر کنیم که نمی‌توانیم بدانیم آنها واقعاً چگونه هستند، اما نمی‌دانیم. ما پشت هیچ دانش ادعایی از خدا نیستیم و واقعیت متعالی فقط گمانه‌زنی‌های بی‌اساس است.

خوب، خدا که همه چیز را آنطور که واقعاً هستند می‌داند، می‌تواند آنچه را که باید در این راستا بدانیم، برای ما آشکار کند، زیرا او ظرفیت‌های ما را آفریده و محدودیت‌های ما را می‌داند. البته، هر ادعایی مبنی بر وحی معتبر نیست. با این وجود، کانت می‌گوید، برای اینکه بتوانیم عملاً در این جهان عمل کنیم، خدا، آزادی و جاودانگی را به عنوان مبنای اخلاق و وظیفه فرض می‌کنیم.

خدا، آزادی و جاودانگی در واقع مبنایی برای اخلاق و وظیفه هستند، اما کسانی که معرفت‌شناسی کانت را دارند، هیچ قدرتی برای ایستادگی در برابر نیروهای شکاکیتی که این موارد را انکار می‌کنند، ندارند. سی. اس. لوئیس، در تمثیل خود، «پسرفت زائر»، به خوبی این مشکل را نشان می‌دهد. اگر فقط بگویید، خوب، این مبنایی برای اخلاق و وظیفه است، یک شکاک ممکن است بگوید، خوب که چه؟ ما نمی‌دانیم که آیا واقعاً درست است یا نه، و من هر کاری که بخواهم انجام می‌دهم.

در واقع، ما در طول تاریخ چنین افرادی را داشته‌ایم. ۴. معجزات یا روزانه اتفاق می‌افتند، یا به ندرت، یا هرگز. اگر روزانه باشند، معجزه نیستند، بلکه قانون طبیعی هستند، و اگر به ندرت باشند، هیچ مبنایی برای دانستن آنها وجود ندارد، پس احتمالاً هرگز.

عیسی احتمالاً در طول خدمت خود بر روی زمین روزانه معجزاتی انجام می‌داد، و احتمالاً در برخی از ۵. زمان‌های دیگر تاریخ بشر، این معجزات به ندرت رخ داده‌اند. ما نمی‌گوییم که می‌توانیم یک معجزه را کاملاً درک کنیم یا کاملاً مطمئن باشیم که آیا یک رویداد معجزه‌آسا بوده یا خیر، اما معجزات خاص، احتمالات موجود را به پایان می‌رسانند. به داوران ۳۶:۴-۶، یا اول سموئیل ۱:۶-۹، اول سموئیل ۱:۳ مراجعه کنید. معجزات نادر هستند.

سموئیل نوجوان، در زمان الی، در حضور خداوند خدمت می کرد. در آن روزها کلام خداوند نادر بود و رؤیاهای زیادی وجود نداشت. داوران ۱۲: ۶، وقتی فرشته خداوند بر جدعون ظاهر شد، گفت: «خداوند با تو توانا است، ای جنگجوی توانا».

اما سر جدعون پاسخ داد: «اگر خداوند با ماست، چرا این همه برای ما اتفاق افتاده است؟ کجا هستند همه این عجایبی که پدران ما برای ما تعریف می کردند، وقتی می گفتند: آیا خداوند ما را از مصر بیرون نیاورد؟ اما اکنون خداوند ما را رها کرده و به دست جدعون سپرده است. احتمالات را بررسی کنید.» داوران ۶، ۳۶-، جدعون به خدا گفت: «اگر اسرائیل را همانطور که وعده داده‌ای به دست من نجات خواهی داد، ۴۰، «بنگر، من پشم گوسفند را در خرمنگاه خواهم گذاشت».

اگر فقط شب‌نم روی پشم باشد و تمام زمین خشک باشد، آنگاه خواهم دانست که تو اسرائیل را به دست من نجات خواهی داد، همانطور که گفته بودی. و چنین شد. جدعون صبح زود روز بعد برخاست، پشم را فشرده، شب‌نم را گرفت، کاسه‌ای پر از آب

آنگاه جدعون به خدا گفت: «از من خشمگین مشو. بگذار فقط یک درخواست دیگر بکنم. اجازه بده یک بار دیگر با پشم گوسفند امتحان کنم.»

این بار پشم را خشک و زمین را پر از شب‌نم کن. آن شب خدا چنین کرد. فقط پشم خشک بود و تمام زمین پر از شب‌نم.

خب، واقعاً در چنین چیزی خیلی سریع احتمالات را بررسی می کنید. وقتی جدعون دو آزمایش را انجام می دهد، آنها با هم تطبیق داده می شوند، آزمایش‌های معکوس هستند و سعی می کنند بفهمند چگونه می توان آب و هوا را به این سرعت تغییر داد. همه این چیزها خیلی پیچیده است، ها؟ مثال دیگر، اول سموئیل ۱: ۶ وقتی صندوق عهد خداوند هفت ماه در قلمرو فلسطینیان بود، فلسطینیان کاهنان و فالگیران را فراخواند و گفت: با صندوق عهد خداوند چه کنیم؟ به ما بگویید چگونه باید آن را به جایش برگردانیم. آنها دچار طاعون نسبتاً شدیدی شده بودند و هیچ یک از شهرها دیگر نمی خواستند آن را داشته باشند.

خب، چند آیه بعد، کاهنان و پیشگویان پاسخ می دهند: چرا مانند مصریان و فرعون، دل‌هایتان را سخت می کنید؟ وقتی او، یعنی خدا، با آنها به سختی رفتار کرد، آیا آنها بنی اسرائیل را بیرون نفرستادند تا بتوانند به راه خود ادامه دهند؟ اکنون، یک ارابه جدید با دو گاو که زایمان کرده‌اند و هرگز یوغ نشده‌اند، آماده کنید، گاوها را به ارابه ببندید، اما گوساله‌هایشان را ببرید و آنها را محکم ببندید. صندوق عهد خداوند را بردارید، آن را روی ارابه بگذارید و در صندوقچه‌ای کنار آن، اشیاء طلائی را که به عنوان قربانی گناه برای او می فرستید، قرار دهید.

آن را به راهش بفرست، اما مراقبش باش. اگر به سرزمین خود، به سوی بیت شمس، رفت، پس خداوند این، بلای بزرگ را بر ما نازل کرده است. اما اگر نرفت، آنگاه خواهیم دانست که دست او ما را هلاک نکرده بلکه این اتفاق تصادفی برای ما افتاده است.

خب، این واقعاً یک آزمایش هوشمندانه است، و شما واقعاً باید سخت تلاش کنید تا بفهمید که آیا این آزمایش برای این نوع چیزها خوب نیست یا خیر. از این گذشته، پیشگویان قبلاً گاوهای را که قبلاً گاری، نکشیده بودند، قرار داده بودند و گوساله‌هایشان را از آنها گرفته بودند، که آنها می خواهند به آنها برگردند و سپس ببینند چه اتفاقی می افتد. کاری که این کرد این بود که نشان می داد خدا قرار است صندوق عهد را از طریق گاوها پس بگیرد.

، بنابراین، به نظر من، این نشان می‌دهد که ما می‌توانیم احتمالات را به طور کامل بررسی کنیم و بنابراین، می‌توانیم معجزه را از غیرمعجزه در سطح اطمینانی که انسان‌ها برای تصمیم‌گیری‌های روزمره دارند تشخیص دهیم. پاسخ به کانت ۵. دین حقیقی، که شامل انجام تمام وظایف به گونه‌ای است که گویی فرامین الهی هستند، برای انجام کار درست نیازی به معجزه ندارد. معجزات بیشتر تمایل دارند انگیزه‌های فرد را فاسد کنند.

درست است که دین حقیقی برای انجام کار درست نیازی به معجزه ندارد، اما انسان دیگر قادر به انجام کار درست نیست و برای حل این مشکل به یک معجزه‌ی رهایی‌بخش کفاره و تجدید حیات نیاز دارد. معجزات، کتاب مقدس به خدای نجات‌بخش اشاره دارند که قادر و مایل به مداخله برای نجات ماست. ۶. بنابراین معجزات ربطی به زندگی روزمره و دین حقیقی ندارند.

معجزات فقط برای ادیان غیر رستگاری‌بخش مانند دئیسم و لیبرالیسم الهیاتی بی‌ربط هستند، که هیچ‌کدام از آنها قرار نیست ما را در روز قیامت نجات دهند. بسیار خوب، به سراغ یکی دیگر می‌رویم. جهل باستانی و معجزات، آدولف هارناک.

این نسخه من از استدلال هارناک است. ۱. مردم در دوران باستان فکر می‌کردند که معجزات هر روز اتفاق می‌افتند، بنابراین جای تعجب نیست که معجزات در خدمت عیسی، حواریون و پیامبران گزارش شده است. مردم در دوران باستان طبیعت و قوانین آن را درک نمی‌کردند، بنابراین مرتباً وقایع طبیعی را با معجزات ۲. اشتباه می‌گرفتند.

، پاسخ به هارناک. اولین جمله او. مردم در دوران باستان فکر می‌کردند که معجزات هر روز اتفاق می‌افتند. بنابراین جای تعجب نیست که معجزات در خدمت عیسی، رسولان و پیامبران گزارش شده است.

.چه در دوران باستان و چه در زمان حال، افرادی هستند که معتقدند معجزات هر روز اتفاق می‌افتند. ۳. ۲. افراد دیگری هم در آن زمان و هم در حال حاضر وجود دارند که معجزات را به کلی انکار می‌کنند. در آن زمان، اپیکوریان و صدوقیان بودند.

احتمالاً امروزه افراد شکاک بیشتری نسبت به آن زمان وجود دارند، اما احتمالاً هم شکاکان و هم افراد ۴. عادی که به معجزه اعتقاد دارند، اشتباه می‌کنند. ۵. در هر صورت، به طور گسترده مشخص بود که یحیی تعمید دهنده معجزه نمی‌کرد، یوحنا ۱۰:۴۱، بنابراین لازم نبود که از پیامبران مشهور گزارش شود، و صدوقیان متوجه شدند که انکار معجزات عیسی غیرممکن است، یوحنا ۹:۱۸، ۱۱، ۴۷، ۱۰:۱۲، و اعمال رسولان ۴:۱۶ را مقایسه کنید. ۲. مردم در دوران باستان طبیعت و قوانین آن را درک نمی‌کردند، بنابراین مرتباً وقایع طبیعی را با معجزات اشتباه می‌گرفتند. این اساساً پوچ است.

هیچ یک از معجزات عیسی را نمی‌توان به راحتی به رویدادهای طبیعی سوءتفاهم‌برانگیز تبدیل کرد. و این دوباره همان چیزی است که لیبرال‌های اولیه تمام انتقادات خود را در مورد بالا رفتن عیسی از تپه به سمت ابرها، اشتراک‌گذاری ناهار مردم و از این قبیل چیزها مطرح می‌کردند. هیچ یک از معجزات عیسی را نمی‌توان به راحتی به رویدادهای طبیعی سوءتفاهم‌برانگیز تبدیل کرد، حداقل نه به عنوان یک گروه.

سه مورد مرگ اشتباه که اتفاقاً با ظهور عیسی زنده شدند. عیسی به جای اینکه روی آب راه برود، روی ساحل یا تپه شنی راه می‌رود، می‌دانید، کمی صبر کنید. در آخر، ما به معجزات در یک جهان بسته نگاه می‌کنیم.

رودولف بولتمان. این نسخه من از استدلال بولتمان است. ۱. علم و تاریخ مدرن بر این فرض عمل می‌کنند که جهان ما یک سیستم بسته علت و معلولی است تا بتوانند آنچه را که اتفاق می‌افتد توصیف، توضیح و پیش‌بینی کنند.

حتی بنیادگرایان نیز عملاً وقتی از برق، پزشکی مدرن و فناوری مدرن استفاده می‌کنند، به این روش عمل می‌کنند. ۲. دیدگاه اسطوره‌ای قدیمی از طبیعت این بود که خدا، فرشتگان، شیاطین و غیره علل مستقیم رعد و برق، بیماری، زلزله و طوفان هستند.

امروزه، ما بهتر می‌دانیم. پاسخ به بولتمان. علم و تاریخ مدرن بر این فرض عمل می‌کنند که جهان ما یک سیستم بسته علت و معلولی است، به طوری که می‌توانند آنچه را که اتفاق می‌افتد توصیف، توضیح و پیش‌بینی کنند.

آنها بر اساس این فرض عمل می‌کنند، اما نه علم مدرن و نه تاریخ به اندازه کافی نمی‌دانند که بدانند جهان یک سیستم بسته است. به نظر می‌رسد که یک سیستم است به این معنا که علل مشابهی در فواصل بسیار نزدیک، تا جایی که می‌توانیم بگوییم، در حال عمل هستند، اما ما نمی‌دانیم چگونه منشأ جهان، نه منشأ حیات، و نه نمونه‌های قابل توجه طراحی ظاهری در طبیعت را جدا از یک ذهن پشت جهان توضیح دهیم. ما مطمئناً هیچ توضیح کاملی از اینکه تاریخ چیست و نه مدرکی مبنی بر بی‌معنی بودن آن داریم.

کشفیات برق، پزشکی مدرن و فناوری مدرن با خداواری مسیحی مغایرت ندارند و بسیاری از مسیحیان در کشف آنها نقش داشتند. دیدگاه اسطوره‌ای قدیمی از طبیعت این بود که خدا، فرشتگان، شیاطین و غیره علل مستقیم رعد و برق، بیماری، زلزله و طوفان هستند. امروزه، ما بهتر می‌دانیم.

خب، مسیحیان و دیگران گاهی اوقات تصور کرده‌اند که اطلاعات بسیار بیشتری در مورد آنچه خدا شیطان، فرشتگان و شیاطین انجام می‌دهند، نسبت به آنچه واقعاً می‌دانستند، دارند. می‌بینید که چندین جای کتاب مقدس و بخش زیادی از آن در تاریخ کلیسا وجود دارد. اما کتاب مقدس در هیچ کجا نمی‌گوید که خدا طبیعت را بدون واسطه اداره می‌کند، یا اینکه شیطان و شیاطین تنها علل بیماری هستند و غیره.

ما مطمئناً امروزه به اندازه کافی در مورد پزشکی یا آب و هوا نمی‌دانیم که بگوییم هرگز هیچ مداخله ماوراء طبیعی در هیچ یک از آنها وجود ندارد، چه برسد به هدایت الهی در چنین رویدادهایی. آیا معجزات واقعی هستند؟ شواهد خوبی برای مداخله و خلقت الهی وجود دارد. این موضوع به تفصیل در دوره دفاعی ما مورد بحث قرار گرفته است.

منشأ جهان، طراحی در جهان، ارتباط بین پیدایش ۱ و منشأ زمین، منشأ حیات، منشأ طرح‌های اصلی بدن در www.ibri.org، ما در وب‌سایت ما IBRI موجودات زنده و منشأ بشر. بنابراین، اگر به پاورپوینت‌های نگاهی بیندازید، سپاسگزار خواهم بود. شواهد خوبی برای مداخله الهی در تاریخ وجود دارد. این موضوع همچنین به تفصیل در دوره‌های مبانی کتاب مقدس و انجیل‌های هم‌نوا در حوزه علمیه کتاب مقدس و ما مورد بحث قرار گرفته است IBRI دوباره در وب‌سایت.

خاستگاه اسرائیل، پیشگویی‌های محقق‌شده، خاستگاه مسیحیت و پدیده رسالت عیسی، از جمله ادعاها و روایت‌های معجزات او، به ویژه رستاخیزش. اگر به کتاب مقدس جفرسون فکر کنید، که ممکن است نام آن را شنیده باشید یا نه، جفرسون یک دئیست است. اساساً، برای اینکه یک روایت انجیل رضایت‌بخش برای او ارائه دهد، مجبور بود تمام ادعاهای عیسی، معجزاتی که انجام داد و رستاخیز را کنار بگذارد.

شواهد خوبی برای مداخله الهی در زمان حال وجود دارد. مسیحیان در مورد فراوانی معجزات در دوران مدرن اختلاف نظر دارند. بنابراین، در یک سر طیف، کاریزماتیک‌ها و در سر دیگر، اگر دوست دارید، لیبرال‌ها قرار دارند.

اما، پدیده‌ی تغییر مذهب، چه در سطح فردی و چه در سطح اجتماعی، این پدیده‌ها قابل توجه هستند. این اساساً سیر ما در استدلال‌های مخالف معجزه است. وقتی آنها را با صدای بلند می‌شنوید، قوی به نظر می‌رسند، اما وقتی آنها را تجزیه و تحلیل می‌کنید، معلوم می‌شود که مشکلات جدی با آنها دارند.

وقتی واقعاً به طبیعت و تاریخ و از این قبیل چیزها نگاه می‌کنید، قطعاً چیزهایی در آنجا اتفاق می‌افتد که یک دیدگاه غیر ماوراءالطبیعه‌گرایانه از جهان واقعاً به طور رضایت‌بخشی به آنها پاسخ نداده است. کاری که ما امیدواریم اکنون، در گفتگوهای آینده‌مان در این مجموعه، انجام دهیم این است که به معجزات عیسی نگاه کنیم و در مورد آنچه در حال وقوع است و آنچه این معجزات در مورد عیسی به ما می‌گوید، بحث کنیم. بسیار خوب، بفرمایید.

چی گیرمون میاد؟ هنوز ده تا نشده. خوب، اون موقع می‌تونیم شروع کنیم به پاره کردن بعضی‌های دیگه. نمی‌دونم چقدر طول می‌کشه.